

إِلَهِي، طَالَمَا نَامَتْ عَيْنَايَ وَقَدْ حَضَرَتْ أَوْقَاتُ صَلَوَاتِكَ، وَأَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ، تَحْلُمُ عَنِّي يَا كَرِيمُ إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ،  
فَوَيْلٌ لِهَاتَيْنِ الْعَيْنَيْنِ، كَيْفَ تَصْبِرَانِ عَلَى تَحْرِيقِ النَّارِ؟!

خدای من، بسیار بوده است که چشمانم به خواب رفته و اوقات نمازهایت رسیده باشد، و تو بر من آگاهی، نسبت به من بردباری می‌ورزی ای کریم تا مدتی نزدیک، پس وای بر این دو چشم، چگونه فردا بر سوزاندن آتش صبر می‌کنند؟!

إِلَهِي، طَالَمَا مَسَّتْ قَدَمَايَ فِي غَيْرِ طَاعَتِكَ، وَأَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ، تَحْلُمُ عَنِّي يَا كَرِيمُ إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ، فَوَيْلٌ لِهَاتَيْنِ  
الْقَدَمَيْنِ كَيْفَ تَصْبِرَانِ عَلَى تَحْرِيقِ النَّارِ؟! إِلَهِي، طَالَمَا رَكِبْتَ نَفْسِي مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، فَحَلَمْتَ عَنْهَا يَا كَرِيمُ إِلَى  
أَجَلٍ قَرِيبٍ، فَوَيْلٌ لِهَذَا الْجِسْمِ الضَّعِيفِ كَيْفَ يَصْبِرُ عَلَى تَحْرِيقِ النَّارِ؟!

خدای من، بسیار بوده است که پاهایم در غیر طاعتت راه رفته‌اند و تو بر من آگاهی، بر من بردباری می‌کنی ای بزرگوار تا مدتی نزدیک، پس وای بر این دو پا، که چگونه بر سوزاندن آتش صبر می‌کنند؟! خدای من، بسیار بوده است که نفسم مرتکب شده آنچه را از آن نهی کرده‌ای، و تو از آن بردباری نموده‌ای ای بزرگوار تا مدتی نزدیک، پس وای بر این بدن ضعیف که چگونه بر سوزاندن آتش صبر می‌نماید؟!

إِلَهِي، لَيْتَنِي لَمْ أُخْلَقْ لِشَقَاوَةِ جَسَدِي.

خدای من، کاش آفریده نشده بودم به خاطر شقاوت جسمم.

إِلَهِي، لَيْتَ أُمِّي لَمْ تَلِدْنِي.

خدای من، کاش مادرم مرا نمی‌زاید.

إِلَهِي، لَيْتَنِي لَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ جَهَنَّمَ وَسَلْسِلِهَا وَتَثْقِيلِ أَعْلَالِهَا.

خدای من، کاش نمی‌شنیدم سخن از جهنم و زنجیرهایش و بندهای گران‌ش را.

إِلَهِي، لَيْتَنِي كُنْتُ طَائِرًا فَطِيرَ فِي الْهَوَاءِ مِنْ حَوْفِكَ.

خدای من، کاش پرنده‌ای بودم و از ترست در هوا پرواز می‌کردم.

إِلَهِي، أَلْوَيْدُ لِي، ثُمَّ الْوَيْدُ لِي إِنْ كَانَ إِلَيَّ جَهَنَّمَ مَحْشَرِي.

خدای من، وای بر من، و باز هم وای بر من اگر محل حشرم به سوی جهنم باشد.

إِلَهِي، أَلْوَيْدُ لِي، ثُمَّ الْوَيْدُ لِي إِنْ كَانَ فِي النَّارِ مَجْلِسِي.

خدای من، وای بر من، و باز هم وای بر من اگر جای نشستنم در آتش باشد.

إِلَهِي، أَلْوَيْدُ لِي، ثُمَّ الْوَيْدُ لِي إِنْ كَانَ الرَّقُومُ فِيهَا طَعَامِي.

خدای من، وای بر من و باز هم وای بر من اگر زقوم (خوراک تلخ کننده) در آن، طعام من باشد.

إِلَهِي، أَلْوَيْدُ لِي، ثُمَّ الْوَيْدُ لِي إِنْ كَانَ الْحَمِيمُ فِيهَا شَرَابِي.

خدای من، وای بر من، و باز هم وای بر من اگر آب جوشان جهنم نوشیدنی‌ام در آن باشد.

إِلَهِي، أَلْوَيْدُ لِي، ثُمَّ الْوَيْدُ لِي إِنْ كَانَ الشَّيْطَانُ وَالْكَفَّارُ فِيهَا أَقْرَانِي.

خدای من، وای بر من و باز هم وای بر من اگر شیطان و کافران در آن، همنشینانم باشند.

إِلَهِي، أَلْوَيْدُ لِي، ثُمَّ الْوَيْدُ لِي إِنْ أَنَا قَدِمْتُ عَلَيْكَ، وَأَنْتَ سَاخِطٌ عَلَيَّ، فَمَنْ ذَا الَّذِي يُرْضِيكَ عَنِّي؟! لَيْسَ لِي حَسَنَةٌ سَبَقَتْ لِي فِي طَاعَتِكَ أَرْفَعُ بِهَا إِلَيْكَ رَأْسِي، أَوْ يَنْطِقُ بِهَا لِسَانِي، لَيْسَ لِي إِلَّا الرَّجَاءُ مِنْكَ، فَقَدْ سَبَقَتْ رَحْمَتَكَ عَضْبَكَ، عَفْوَكَ عَفْوَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامُكَ: ﴿نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ﴾.

خدای من، وای بر من و باز هم وای بر من اگر بر تو وارد شوم، در حالی که تو خشمگین باشی بر من، پس چه کسی تو را از من راضی نماید؟! مرا نیست کار نیکی که در گذشته انجام داده باشم در طاعتت که به آن سربلند باشم، یا زبانم به آن گفتگو کند، مرا نیست جز امید به تو، که رحمتت بر غضبت پیشی گرفته است، عفو تو را می‌طلبم، عفو تو را، عفو تو را، که تو گفتی در کتابت که نازل شده است بر پیامبر مرسلت صلوات تو بر او و

خاندانش و سلام تو بر آنان باد: «خبر ده به بندگانم که من آمرزندهٔ مهربانم و اینکه عذاب من آن عذاب دردناک است.»

صَدَقْتَ صَدَقْتَ يَا سَيِّدِي لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ، وَلَا يُجِيرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا عَفْوُكَ، وَلَا يُنْجِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ  
إِلَيْكَ، أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ يَا رَبِّ تَضَرَّعَ الْمُذْنِبِ الْحَقِيرِ، وَأَدْعُوكَ دُعَاءَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، وَأَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمِسْكِينِ الضَّرِيرِ،  
فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآمِنُنَّ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، وَعَافِنِي مِنَ النَّارِ.

راست گفתי راست گفתי ای سرور من، رد نمی‌کند غضب تو را مگر بردباری تو، و امان نمی‌دهد از کيفرت جز عفو، و نجات نمی‌دهد از تو جز تضرع به سوی تو، تضرع می‌کنم به سوی تو ای پروردگار تضرع کردن گناهکار حقیر، و تو را می‌خوانم خواندن بینوای فقیر، و از تو می‌خواهم خواستن بیچاره گرفتار، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و منت گذار بر من - به بهشت، و مرا از آتش معاف بدار.

إِلَهِي، مَنْ عَلَيَّ بِإِحْسَانِكَ الَّذِي فِيهِ الْغِنَى عَنِ الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ، وَالْأَعْدَاءِ وَالْإِخْوَانَ، وَالْحَقِيقِي بِالَّذِينَ عَمَّرْتَهُمْ سَعَةً  
رَحْمَتِكَ فَجَعَلْتَهُمْ طَيِّبًا أَبْرَارًا أَتَقِيَاءَ، وَلِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ جِيرَانَ فِي دَارِ السَّلَامِ، وَأَعْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ  
وَالْمُؤْمِنَاتِ مَعَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ، وَالْإِخْوَةِ وَالْأَخَوَاتِ، وَالْحَقِيقَا وَإِيَّاهُمْ بِالْأَبْرَارِ، وَأَبْحَثْنَا وَإِيَّاهُمْ جَنَاتِكَ مَعَ النَّجْبَاءِ  
الْأَخْيَارِ.

خدای من، بر من به احسانت منت گذار که در آن بی‌نیازی باشد از نزدیک و از دور و از دشمنان و برادران، و مرا ملحق ساز به آنان که وسعت رحمت آنان را در بر گرفته و آنان را قرار داده‌ای پاکانی نیکوکار با تقوا، و برای پیامبرت محمد که صلوات تو بر او و بر خاندانش باد، همسایگانی در بهشت، و پیامرز مردان و زنان با ایمان را همراه پدران و مادران و برادران و خواهران، و ملحق ساز ما را و آنان را به نیکوکاران، و جای ده ما را و آنان را در بهشت‌هایت همراه برگزیدگان نیکوکار.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي وَجَمِيعِ إِخْوَانِي بِكَ مُؤْمِنِينَ، وَعَلَى الْإِسْلَامِ ثَابِتِينَ، وَلَقَرَائِصِكَ مَوْدِينَ،  
وَعَلَى الصَّلَوَاتِ مُحَافِظِينَ، وَلِلزَّكَاةِ فَاعِلِينَ، وَلِمَرَضَاتِكَ مُبْتَغِينَ، وَلِلْإِخْلَاصِ مُخْلِصِينَ، وَلَكَ ذَاكِرِينَ، وَلِسُنَّةِ نَبِيِّكَ  
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ مُتَّبِعِينَ، وَمِنْ عَذَابِكَ مُشْفِقِينَ.

خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و قرار ده مرا و همه برادرانم را ایمان آورندگان به تو و استوار بر اسلام، و به جای آورندگان واجبات، و نگهدارنده نمازها، و زکات دهندگان و خواهان خشنودیات، و برای اخلاص مخلصان، و برای تو یاد کننده و برای سنت پیامبرت - صلوات تو بر او و خاندانش - پیرو، و از عذابت هراسان،

وَمِنْ عَدْلِكَ خَائِفِينَ، وَلِفَضْلِكَ رَاجِينَ، وَمِنْ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ آمِنِينَ، وَفِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مُتَفَكِّرِينَ، وَمِنَ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا تَائِبِينَ، وَعَنِ الرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةِ مُتْرَهِينَ، وَمِنَ الشَّرِكِ وَالزَّيْغِ وَالْكَفْرِ وَالشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ مَعْصُومِينَ، وَبِرِزْقِكَ قَانِعِينَ،

و از عدلت بیمناک، و به فضل تو امیدوار، و از پریشانی بزرگ در امان، و در آفرینش آسمانها و زمین اندیشه کننده، و از گناهان و خطاها توبه‌کنان، و از ریا و شهرت‌طلبی پاک شده، و از شرک و انحراف و کفر و دشمنی و نفاق مصون، و به روزیات قانع،

وَلِلْجَنَّةِ طَالِبِينَ، وَمِنَ النَّارِ هَارِبِينَ، وَمِنَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ مَرْزُوقِينَ، وَعِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَاقِفِينَ، وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُصَلِّينَ، وَلَا اَهْلَ الْإِيمَانِ نَاصِحِينَ، وَلِلْإِخْوَانِ فِيكَ مُسْتَغْفِرِينَ، وَعِنْدَ مُعَايِنَةِ الْمَوْتِ مُسْتَبْشِرِينَ، وَفِي وَحْشَةِ الْقَبْرِ فَرِحِينَ، وَبِلِقَاءِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ مَسْرُورِينَ،

و بهشت را جوینده، و از آتش گریزان، و از حلال پاک روزی داده شده، و نزد شبهه‌ها باز ایستاده، و بر محمد و آلش درود فرستنده و برای اهل ایمان خیرخواه، و برای برادران در راه تو، استغفار کننده، و هنگام مشاهده مرگ شادمان، و در وحشت قبر مسرور، و به دیدار منکر و نکیر شاد گشته،

وَعِنْدَ مَسَاءَتِهِمْ بِالصَّوَابِ مُجِيبِينَ، وَفِي الدُّنْيَا زَاهِدِينَ، وَفِي الْآخِرَةِ رَاجِعِينَ، وَلِلْجَنَّةِ طَالِبِينَ، وَلِلْفِرْدَوْسِ وَارْتِثِينَ، وَمِنَ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْإِسْتَبْرَقِ لِأَبْسِينَ، وَعَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِّئِينَ، وَبِالتَّيْجَانِ الْمَكَلَّلَةِ بِالذَّرِّ وَالْيَوَاقِيتِ وَالزَّبَرْجَدِ مُتَوَجِّعِينَ،

و هنگام سؤال کردن آنان به درستی پاسخ دهنده، و نسبت به دنیا زاهد، و به آخرت مشتاق، و جویندگان بهشت و وارثان فردوس، و از جامه‌های سندس و استبرق پوشنده، و بر تخت‌ها تکیه دهنده، و تاج‌های زینت داده شده به در و یاقوت و زبرجد بر سر نهاده،

وَلِلْوُلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ مُسْتَخْدِمِينَ، وَبِأَكْوَابِ وَأَبَارِيقِ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ شَارِبِينَ، وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ مُزَوِّجِينَ، وَفِي نَعِيمِ الْجَنَّةِ مُقِيمِينَ، وَفِي دَارِ الْمَقَامَةِ خَالِدِينَ، ﴿لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ﴾.

و از غلامان جاویدان بهشتی خدمت شده، و با کوزه‌ها و مشربه‌ها و جام‌های زرین از آب گوارای بهشت نوشنده، و با حور عین ازدواج کننده، و در نعمت‌های بهشت اقامت کننده، و در سرای اقامت جاویدان گشته، «به آنها نمی‌رسد در آن خستگی و آنها نیستند از آن خارج شونده.»

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَالتَّبَاعِ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ، إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ.

خداوندا ما را بیامرزد و برادران ما را از مردان و زنان با ایمان، زندگان آنها و مردگان را، و میان ما و آنها پیروی به خیر برقرار کن، که تو سرپرست باقیات صالحات می‌باشی.